

پیش‌خوان

پیش‌خوان

«سردار اسلام شهید آیت‌الله‌عظمی شیخ محمدمهدی خالصی» در آیین‌ه روایت فرزند

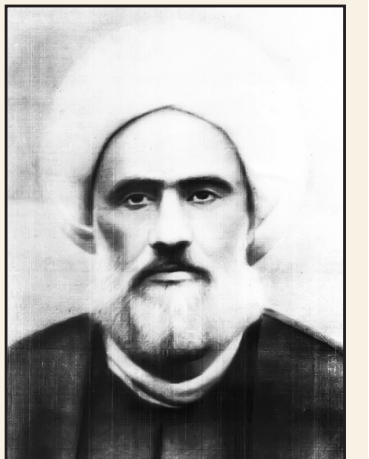
حالات و مقامات یک جهادگر نامدار

■ **شاهد توحیدی**

اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، شرحی از تکاپو و مبارزات سیاسی آیت‌الله‌عظمی شیخ محمدمهدی خالصی را، در آیین‌ه روایت فرزندش آیت‌الله شیخ محمد خالصی بازگفته

است. این واگویی توسط دکتر امیر سلمانی رحیمی

به فارسی ترجمه شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی به انتشار آن همت گماشته است. تازم‌ای ناشر در معرفی این کتاب به نکات بی آمده اشارت برده است: «از زمان شروع هجوم استعمار بر سرزمین‌های اسلامی، روحانیت شیعه پیوسته پیشتاز و پیشگام مبارزه با تسلط و دخالت اجنبی بوده است. این روش و سلوک روحانیت، بی‌شک از مکتب مبارز و انقلابی تشیع الهام می‌شود که به رغم فراز و نشیب‌های مختلف، همواره در طول تاریخ و در دوره‌های مختلف به گونه‌ای بروز و ظهور یافته است. روحانیت شیعه ضمن کوشش در میدان علم و تبیین احکام اسلامی، مردان میدان سیاست نیز بودند، در امور جاری کشور دخالت داشته و در مقابل سلطه اجانب مبارزه می‌کردند. آیت‌الله محمد مهدی خالصی در خانواده‌های روحانی، در شهر کاظمین دیده به جهان گشود و با‌په‌های حیات علمی‌اش، در دامان پدرش نهاد شد. وی سپس به نجف رفت و از محضر بزرگانی چون آخوند خراسانی و میرزا حبیب‌الله رشتی بهره برد و پس از آن در سامرا، در درس آیت‌الله‌عظمی محمدحسن شیرازی حاضر شد. سپس در زادگاه خویش به تدریس ام‌وخته‌های خود بر آمد و به تأسیس مدرسه و کتابخانه اقدام کرد. وی آثار علمی زیادی را به رشته تحریر درآورد. مهم‌ترین واقعه زندگانی ایشان بعد از انقلاب مشروطه در ایران،



▲ **آیت‌الله‌عظمی حاج شیخ محمدمهدی خالصی**

شعله‌ور شدن زبانه‌های جنگ جهانی اول است. پس از غلبه نیروهای انگلستان بر جنوب عراق، مردم مسلمان نظلم‌نامه‌هایی به علمای اعلام تلگراف کردند و آنان را از عاقبت تسلط کافر بر جان و مال مسلمانان آگاه ساختند. مراجع شیعه اعلام جهاد دادند و در این میان آیت‌الله خالصی ضمن اعلام جهاد، رساله‌ای نیز برای مقابله با استعمار انگلستان نگاشت. پس از فروکش آتش جنگ جهانی، آیت‌الله خالصی همواره در میدان سیاست عراق حضور فعال و مؤثری داشت. این کتاب گوشه‌ای از خاطرات آیت‌الله شیخ محمد خالصی است که در مورد مبارزات و زندگی پدر نگاشته است. به علاوه از جهت دیگر دارای اهمیت است و آن اینکه وقایع جنگ جهانی اول در بین‌النهرین و چگونگی شرکت علمی شیعه و میزان تأثیر آنها در سرنوشت جنگ و وقایع بعد از آن را، شرح می‌دهد…»

در بخشی از این اثر، در باب سفر آیت‌الله محمد خالصی زاده فرزند آیت‌الله محمدمهدی خالصی زاده به تهران نیز چنین می‌خوانیم: «در شهر بورما ۱۳۰۱ شمسی، آیت‌الله شیخ محمد خالصی زاده به دستور مقامات انگلیسی و دولت عراق به دلیل مخالفتش با قیمومیت انگلیس بر عراق، پس از یک مبارزه طولانی، همراه با سیدمحمد صدر و از طریق خائنین و قصرشیرین به ایران تبعید شدند. ورود آنها به ایران، با استقبال علما و مردم مواجه شد. آیت‌الله خالصی زاده پس از ورود به کرمانشاه و توقفی کوتاه در آن شهر، راهی تهران شد. در مسیر و به محض ورود به کرج، گروهی از اصناف و طبقات مختلف مردم به استقبال او آمدند و هنگام ورود به تهران نیز مورد استقبال مردم، علما و طلاب قرار گرفت. پس از این استقبال، آیت‌الله خالصی زاده در میان جمعیت استقبال کننده، وارد خانه سیدعلی بهبهانی شد و در حضور جمعیت کثیری از طبقات مختلف مردم که برای دیدار و استقبال از او آمده بودند، شروع به سخنرانی کرد. او سپس عازم قم شد و در طول مسیر نیز همچنان مورد استقبال مردم قرار گرفت…»



تصویر منسوب به صاحب بن عباد، وزیر دانشمنددوره آل بویه

د

از عوامل مؤثر رشد شیعه در دوره آل بویه، وجود وزیر ی دانشمند به نام «صاحب بن عباد» بود. وی در دوران صدارت خود، علاوه بر رسیدگی به وضع زندگی علما و فقهای ساکن ری، هر سال ۵هزار دینار برای علمای بغداد می‌فرستاد، تا در امور مربوط به حوزه‌های علمیه صرف کنند. این عالم بزرگ همچنین در «ری» کتابخانه عظیمی با ۲۰۶هزار کتاب تأسیس کرد که به عنوان یک منبع مورد وثوق فقهای شیعه و از جمله شیخ صدوق، مسورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت

نظری بر تاریخچه گرایش ایرانیان به مذهب تشیع در آیین‌ه اسناد تاریخی

سلسله صفویه

مردم ایران را شیعه کرد؟!

■ **انوشه میر مرعشی**

یکی از گزاره‌های تاریخی غلطی که مستشرقین درباره تاریخ دوره صفوی به کرات بیان کرده و در ادهان برخی جا انداخته‌اند، این است که تشیع در زمان صفویه گسترش پیدا کرد و مردم ایران پا زور شمشیر صفویان شیعه شده اند! در طول دهه‌های گذشته، اساتید و پژوهشگرانی به مقابله با این خبر کذب پرداخته‌اند و با ارائه دلایل و شواهد تاریخی به این شییه پاسخ داده‌اند. ما نیز در مقال بی آمده، نگاهی گذرا داشته‌یم به برخی ادله و شواهد تاریخی در رد این گزاره غلط. امید آنکه تاریخ پژوهان و عموم علاقمندان را مفید و مقبول آید.

■ **ورود اندیشه تشیع به ایران**

ورود اندیشه امام و جانشین دانستن علی بن ابیطالب(ع) بعد از رحلت پیامبر اعظم(ص) به ایران و پیروی از ایشان به زمان حیات امیرالمومنین(ع) برمی‌گردد. آنجا که سلمان فارسی در زمان خلیفه دوم، حاکم «مدائن» یعنی پایتخت ساسانیان شد و در همان شهر، شروع به تبلیغ تفکر تشیع بین مردمان آن دیار و ایرانیانی که به این شهر رفت و آمد داشتند، نمود. این تفکر در دوره پنج ساله خلافت امام علی(ع)، در مدائن و برخی از شهرهای غربی کشور ترویج و تثبیت شد. بعد از آن با ورود گروهی از اهالی شیعه یمن به ایران و همچنین ورود نمایندگان و شاگردان حضرات معصومین(ع) به سرزمین مان، کم کم مذهب شیعه در شهرهای قم، ری، نیشابور، قزوین، اهواز، سجستان(سیستان) و… تا زمان غیبت صغری گسترش پیدا کرد. به ویژه با مهاجرت گروهی از سادات حسینی و موسوی در زمان امامت حضرت موسی بن جعفر(ع) و پس از آن به ایران و سکونت‌شان در مناطق شمالی کشور یعنی دیلمان و سربستان، نسل علویون شکل گرفت.

■ **حکومت آل بویه و گسترش تشیع در مرکز**

ایران

غیبت صغری حضرت ولیعصر(عج) بعد از ۶۹ سال و

ف

خواجه نصیرالدین طوسی برای حفظ جان و مال مسلمین، حاضر به همکاری با هلاکوی بودایی شد و بر همین اساس هم علاوه بر احداث رصدخانه مراغه و ارائه خدمات بسیار به همه مسلمانان اعم از شافعی، حنفی و امامیه، در طول ۱۸سال زندگانی‌ای که در دوره هلاکو و فرزندش آباقا خان داشت به تربیت شاگردان بسیاری چون: علاقه حلی، قطب‌الدین شیرازی و… پرداخت

تاریخ

تاریخ ۶۰۴-۸۵۲۳

فرهنگی شیعه در تهران را توسعه می‌دادند.

■ **علمای شیعه و حمله مغول**

بعد از ضعف آل بویه و وقوع هرج و مرج سیاسی در کشور، ایران اوضاع نابسامانی به خود گرفت. آشفتگی سیاسی و عدم وجود یک قدرت فراگیر در کل کشور، تولید علم و معرفت را در میان ایرانیان با رکود مواجه کرد. در این میان با حمله لشکر مغولان به فرماندهی چنگیز، اوضاع بیش از قبل آشفته و دهشتناک شد. چنانچه در طی نزدیک دو دهه، کل ایران سه زیر چکمه مغولان درآمد البته باید معترف بود که جانشینان چنگیز، علم و فرهنگ دوست بودند و همین خصیصه، زمینه ورود علما را به دربار آنها فراهم کرد. یکی از عالمانی که نقش بسیار مهمی در جلوگیری از ریختن خون مسلمانان به دست لشکریان مغول را در آن برهه بر عهده داشت، خواجه نصیرالدین طوسی بود.

«خواجه نصیرالدین طوسی»، در سال ۵۹۷ ق در طوس به دنیا آمد. خواجه در زمان شروع حمله مغولان به شمال خراسان، از آن دیار خارج شد، اما کمی بعد به دستور هم مدرسه‌ای سابق‌اش – یعنی حسن صباح (رهبر فرقه اسماعیلیه) – به زور به همراه خانواده به قلعه الموت برده و در آنجا حبس شد. حبس و حصری که ۲۴سال به طول انجامید و با حمله هلاکوخان –نوه چنگیز– به الموت و شکست اسماعیلیان، پایان یافت. خواجه پس از آزادی به دلیل برخورداری از علم فراوان و به ویژه تسلط بر علم نجوم، مورد توجه هلاکوخان قرار گرفت. پس برای حفظ جان و مال

مسلمین، حاضر به همکاری با هلاکوی بودایی شد و بر همین اساس هم علاوه بر احداث رصدخانه مراغه و ارائه خدمات بسیار به همه مسلمانان اعم از شافعی، حنفی و امامیه، در طول ۱۸ سال زندگانی‌ای که در دوره هلاکسو و فرزندش آباقا خان داشت به تربیت شاگردان بسیاری چون: علامه حلی، قطب‌الدین شیرازی و… پرداخت.^(۱)

گرچه برخی از متعصبین همچون ابن عربی و ابن کثیر، نه تنها وی را که دو عالم شیعه دیگر یعنی «سید بن طاووس» – متوفی به سال ۶۶۴ق- و «مویدالدین بن علقمی» که در دربار مستعصم عباسی وزیر بود را هم به تحریک مغول برای حمله به بغداد متهم کرده‌اند، اما واقعیت این است که نقش این سه نفر در جلوگیری از ریختن خون مسلمانان توسط لشگر مغول، غیر قابل انکار است و پژوهشگران زیادی با ارائه ادله و شواهد تاریخی، خدمات این سه عالم بزرگ را در حفظ جان عموم مسلمانان اعم از اهل سنت و شیعه به اثبات رسانده‌اند.^(۲) به طور مثال «سیدرضی‌الدین علی» معروف به «سیدبن طاووس»، در زمان تصرف بغداد در این شهر می‌زیست. هلاکوخان

متعصب بودند و با شیعیان سرسازگاری نداشتند. گرچه باید معترف بود که سامانیان به رغم تعصبات مذهبی، فرهنگ دوست و علم پرور بودند و از شعرا و دانشمندان در قلمرو حکومتی خودحمایت می‌کردند. بعد از ضعف سامانیان و قدرت گرفتن سلطان محمود غزنوی اما، تغییر در وضعیت شیعیان ساکن در مناطق شرق، شمال شرقی و جنوب شرقی ایران حاصل شد و همچنان آنها روزگار را در فشار و سختی می‌گذرانند. البته در این دوره، شیعیان متغلب نبودند و با وجود همه فشارها، از عقاید خود دفاع می‌کردند. آنچه بر فردوسی رفت و رفتاری که با شاهنامه‌اش به جرم شیعه بودن کردند، نمونه بارز این ادعاست. اما جالب است که با وجود همه سختی‌ها، شیعیان ساکن در قلمرو حاکمان سنی مذهب، نسل به نسل محکم‌تر و مستقیم‌تر از عقاید خود دفاع می‌کردند. چنانچه چهاردهی بعد از وفات فردوسی، شاعری به نام «ربیع خراسانی» منظومه‌ای ۲ هزار بیتی به زبان فارسی سرود که آن را «علی نامه» نامید:

«واین قصه را این سراینده مرد – ز مهر دل خود علی نامه کرد»
ربیع خراسانی در منظومه حماسی خود با تبیین مقام ولایت مطلقه علوی به زندگی امام علی(ع) پرداخته و سپس در ۱۲مجلس، ماجراهای جنگ جمل، صفین و نهروان را سروده است. این شاعر حتی دشمن مرتضی علی را آشکارا دشمن پیامبر(ص) نامیده و چنین سروده است:

«اگر با خیانت بیبودی علی – نخواندیش بیزان ولی وفی

همیدون که باختی خردی خدای – شب و روز ید پیشکار خدای
کسی کو خلاف آورد اندرین – بُود دشمن مصطفای امین»^(۳)

در واقع شیعیان و به ویژه علمای آنان، ضمن حفظ هویت دینی خود در شرایط سخت به تبلیغ باورهای خود نیز می‌پرداختند و از این طریق دامنه اعتقادی و خود شیدای میان علمای شافعی و حنفی در دربار در گرفت. این رقابت و درگیری‌های میان علمای شافعی و حنفی، در طول زمان آندقر زیاد شد که سبب رنجش و کدورت پادشاه را فراهم کرد. این وضعیت البته موجب شده بود که امیران بودایی مسلک مغول زبان طعنه بر روی سلطان باز کردند که چرا دینی را انتخاب کرده که علمای آن مدام در حال نزاع هستند.^(۴) این وضعیت، سلطان را درباره مسلمان شدن با شسک و دودلی مواجه کرده بود. تا اینکه ایلخان روزی در زمان عصبانیت، همسر مورد علاقه‌اش را سه طلاقه کرد اما بعد از فروکش کردن عصبانیت، پشیمان شد و خواهان رجوع به همسرش شد. وقتی سلطان ماجرا را با علمای دربار در میان گذاشت، علمای شافعی و حنفی همگی به وی اظهار داشتند که حکم ابطال سه طلاقه کردن همسر، گرفتن محلل است. حکمی که شدیداً سلطان را ناراحت کرد، در حالیکه بیش

۹ جوان

| روزنامه جوان | شماره ۲۰۰۲

از پیش درباره مسلمان شدن به تردید افتاده بود. در چنین شرایطی یکی از درباریان به سلطان اظهار داشت که رئیس علمای شیعه در شهر حله اقامت دارد و او می‌تواند این مشکل را حل کند. به این شکل حسن بن یوسف معروف به علامه حلی، با احترام به دربار محمدخاندنده در سلطانیه (زنجان فعلی) آورده شد. ایشان پس از شنیدن ماجرا از سلطان پرسید: آیا وقتی همسر تان را طلاق می‌دادی، بدی، کسی شاهد این گفته شما بود؟ و آیا این سه طلاقه کردن، در سه مرحله جداگانه انجام شده است؟ پاسخ سلطان منفی بود. پس علامه به ایشان فرمود: از آنجا که طلاق در سه مرحله جداگانه و در حضور دو شاهد عادل انجام نشده، طلاق باطل است و همسر تان به شما حلال است. این فتوا آنچنان سلطان را خوشحال کرد که در همان مجلس به مذهب شیعه گرایش پیدا کرد و پس از برپایی مجالس مناظره میان علمای شافعی و حنفی با علامه حلی و اثبات حقانیت مذهب تشیع، شیعه شد. پس از آن کل لشگریان سلطان به پیروی از وی شیعه شدند. سلطان دستور داد، ابتدا به نام(ع) سکه ضرب کردند و سپس فرمان داد، در نماز جمعه به روش انمه معصومین(ع) و بدون ذکر نام خلفا خطبه خوانده شود. به این شکل و برای اولین بار، مذهب تشیع در کل ایران به عنوان مذهب رسمی اعلام شد. البته بعد از این اتفاق نیز علامه حلی به مدت ۱۰ سال ساکن ایران شد و با حمایت پادشاه شیعه مغول، در شهرها و قباصلت بزرگ مردم را به مذهب تشیع دعوت کرد.^(۵)

حضور و مناظرات متعدد علامه حلی و سایر علمای شیعه در آن مقطع با علمای مذاهب اهل سنت، موجب گسترش شگفت انگیز تشیع در کل ایران شد.

■ **شیعیان در دوره تیموریان**

با ضعف مغولان و شروع قیام سرداران(شیعه) در منطقه خراسان و قیام مرعشیان(شیعه)در منطقه طبرستان و دیلمان، قیام‌های دیگری هم علیه مغولان شکل گرفت. به این ترتیب حکومت‌های ملوک الطوائفی، در جای جای ایران شکل گرفت و به نوعی ایران محل تاخت و تاز قدرت طلبان داخلی شد. اما پس از گذشت نزدیک به یک قرن و با سربر آوردن تیمور لنگ، ایران در ید قدرت او قرار گرفت. جالب است که در دوره تیموری، علمای شیعه و سنی به دنبال وحدت میان مسلمانان بودند و به ویژه عالمان شیعه به شدت مردم را از لعن خلفا نهی می‌کردند و به پیروان خود دستور احترام گذاشتن به عقاید مسلمانان اهل سنت را می‌دادند. شاهد این ادعا را، می‌توان به راحتی در کتاب «شواهد النبوه» دید.

«نورالدین عبدالرحمان جامی» از علمای بزرگ عصر تیموریان، کتاب از زشمندی دارد به نام «شواهد النبوه لتقویة الیقین اهل الفتوة»، یعنی شواهدی در نبوت حضرت رسول(ص) برای یقین یقین جوانمردان. او در دوره سه پادشاه تیموری، یعنی «میرزا بابر»، «ابوسعید» و «سلطان حسین بایقرا» زندگی کرد و در دوره سلطان حسین بایقرا، سال‌ها شایخ الاسلام» آن حکومت بود. وی خود را مقدمه کتابش، شافعی مذهب و در فروع حنفی مذهب معرفی می‌کند، اما در همان کتاب ارات نام و تمام به اهل بیت پیامبر(ص) دارد و حتی اصلی‌ترین منبع او در این کتاب، «مناقب ابن شهر آشوب شیعه بوده است. جامی پنج رکن (فصل) اول شواهد النبوه را، درباره حوادث خرق عادت تولد حضرت رسول(ص) تا وفات ایشان نوشته است. در رکن ششم به عقوبت لعن سه خلیفه اول پرداخته و سپس به کرامات حضرت امیرالمومنین(ع) و کرامات یقیه انمه اطهار(ع) پرداخته و حتی مسبوفا درباره حضرت حجت(عج) می‌نویسد.^(۶)

■ **کلام آخر**

عموم ایرانیان تا قبل از سربر آوردن صفویه با شیعه شده بودند، با چنان محب خاندان پیامبر(ص) بودند که می‌توان آنها را در عداد شیعیان معرفی کرد. در واقع بعد از تسلط صفویان بر ایران، مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی کشور، تنها صورت علنی گرفت، وگر نه قبل از آن ایران رسماً شیعه شده بود.

منابع:

۱- گلگی زواره، غلامرضا، مقاله «بررسی نقش دولت آل بویه در گسترش تشیع و عمران عنبات عالیات»، فصلنامه فرهنگ زیارت، شماره ۳۷، مورخ زمستان ۱۳۷۷، ش.ص ۱۱۱ تا ۱۱۳

۲- کبیر، مفیز/مقیض/الله –مورخ هندی –، «آل بویه در بغداد- خلافت در سرینجه قدرت ایرانیان- ترجمه مهدی افشار، انتشارات حیدری، چاپ اول ۱۳۸۱، ش. صفحات ۹۷ تا ۱۱۹ و ۲۴ و ۲۵

۳- معارف، مجید، «صدوق، محدث صادق»، انتشارات همشهری، چاپ اول ۱۳۸۹، ش.ص ۶۵

۴- دایرةالمعارف تشیع، جلد یازدهم، نشر شهید سعید محبی، تهران ۱۳۸۴، ش.ص ۲۵۰ و ۲۵۱

۵- دوانسی، علی، «مفآخر اسلام»، جلد۴، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول ۱۳۶۴، ش. صفحات ۹۰، ۹۱، ۹۷ و ۱۰۷

۶- جعفریان، رسول، «تاریخ تشیع در ایران»، انتشارات علم، چاپ ۱۳۸۸، ش. صفحات ۶۳۹ تا ۶۶۵

۷- امانی، محمدحسین «سیمای حله»- شهر قفقات- نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۵، ش. ص ۷۱ و ۷۰

۸- بارانی، محمدحضر، مقاله «گرایش ایرانیان به تشیع در عصر ایلخانان»، فصلنامه معرفت، شمار ۴۰، مورخ بهار ۱۳۸۰، ش.ص ۹۴ تا ۱۰۱

۹- امانی، صفحات ۱۲۶ و ۱۲۷

۱۰- جامی، عبدالرحمان، «شواهد النبوه»، با مقدمه و تصحیح سیدحسن امین، نشر میرکسروی، چاپ اول ۱۳۷۹، ش. صفحات ۱۲ تا ۱۳۴ و ۳۴۰



تصویر منسوب به خواجه نصیر الدین طوسی وزیر دانشمند هلاکوخان مغول